

مقدمه

هنر ایران، که تبلور عینی آن را باید در «هنرهای سنتی» جست‌وجو کرد، هنری است مردمی و بومی که از آداب، رسوم، سنتها، باورها و در مجموع از فرهنگ معنوی جامعه نشأت گرفته است. هنرمند ایرانی پیوسته کوشیده است با یاری گرفتن از خالق همه زیبایی‌ها و خوبی‌ها، گزارشگر احساسات، علایق و اعتقاداتی باشد که در قالب طرح، نقش و رنگ ما را به فرهنگ غنی و پربارمان پیوند می‌دهد. به اعتقاد صاحب‌نظران، هنر ایران به‌عنوان بخش مهمی از گنجینه هنر جهان، هنری است نیرومند، با هویت و مردمی، که انسان در مسیر درک آن، حرکتی را از جهان «هست»‌ها به دنیای «باید»‌ها آغاز می‌کند تا از این رهگذر، ستایشگر منبع اصلی نور و منشأ تمامی زیبایی‌ها باشد.

هنر ایران در سراسر تاریخ این مرز و بوم، نه تنها از جایگاه شایسته فرهنگی برخوردار بوده، بلکه به دلیل داشتن ابعاد اقتصادی و اجتماعی، همواره بخشی از حیات فرهنگی و قسمت مهمی از زندگی اقتصادی مردم کشورمان را تشکیل داده است. هنرهای سنتی ایران که اکثراً در عهد صفوی به اوج غنای خود رسیده‌اند، به‌عنوان کاربردی‌ترین هنر، در جهان شناخته شده است. ارزشهای متعالی انسانی همواره، حافظ هنرهایی با بی‌ادعاترین و مخلص‌ترین هنرمندان و خالقان آثار بوده است. و این راز و رمز دوام و بقای هنر ایران، در طول تاریخ بوده و هست.

جایگاه هنر صناعی ایران

هنر صناعی ایران، کاربردی‌ترین هنر شناخته شده جهان و اصیل‌ترین صنعت در کشورمان به‌عنوان یکی از سه قطب برتر صنایع دستی جهان به همراه چین و هند است. هنرهای صناعی گستردگی فراوانی در سطح کشور دارد و از حیث تنوع رشته‌ها، در سطح دنیا، بی‌همتاست.

• کارشناس طراحی و چاپ پارچه



هنر در ایران، تو گویی زنگ را از سبیل
تو چه دانی که در این پرده چه‌ها می‌بینم

صنایع دستی ایران

آخرین تعریفی که از صنایع دستی به عمل آمده است، چنین است: صنایع دستی به مجموعه‌ای از «هنر - صنعت»‌ها گفته می‌شود که به‌طور عمده با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید، به کمک دست و ابزار دستی تهیه و ساخته می‌شود و در هر واحد آن، ذوق هنری و فعالیت فکری صنعتگر سازنده، تجلی یافته است و همین عامل، وجه تمایز اصلی این‌گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای است.

طبقه‌بندی صنایع دستی ایران

همان‌گونه که گفته شد، صنایع دستی ایران، یکی از سه قطب برتر صنایع دستی جهان (به همراه چین و هند) است و از متنوع‌ترین صنایع دستی دنیا است و به ۲۲ نوع تقسیم می‌شود: دستبافی، نمدبافی، قلمزنی، حصیربافی، میناکاری، بافته‌های داری، سفالگری، سنگتراشی، خاتم‌سازی، زیورآلات، بافتنی‌ها، شیشه‌گری، خراطی، معرق‌کاری، اشیای مستظرفه هنری، رودوزی‌های سنتی، پوست و چرم، ریزه‌کاری، کاشیکاری، چاپهای سنتی، محصولات آلیاژی، منبت و مشبک، ملیله‌سازی. قلمکار نیز بخشی از این صنایع است که در زمره چاپهای سنتی قرار می‌گیرد و این هنر بازمانده برجسته‌ای از عهد صفوی در بخش چاپهای سنتی ایران و مکتب اصفهان است.

نگرشی بر چاپ قلمکار، از پیدایش تا به امروز تاریخچه قلمکار

به‌طور کلی باید گفت، بخشی از هنر ایران که هنری متعدد و مردمی بوده و به علت پیوند و آمیختگی محکم و استوارش با زندگی مردم، توانسته به دور از جنبه‌های تجاری و بیشتر در صراحت و صداقت رشد کند و «هنر - صنعت» قلمکار از این دسته است.

هنر قلمکار، هنری است که به‌خصوص در دوره سلطنت شاه عباس در قرن ۱۱ هجری به کمال رسید و به علت علاقه درباریان و توجه خاصی که به این صنعت داشتند، انواع مختلف قلمکار، تهیه می‌شد که معروف‌ترین آنها



ولی در کل، چون برای تولید، بدین صورت، وقت زیادی صرف می‌شد، در ضمن نقوش رسم شده، با قلم، هماهنگی نداشت و باعث یکسان نبودن تولیدات می‌شد، صنعتگران نقوش را به وسیله قالبهای حکاکی شده، بر روی پارچه، یگانه راه چاره این مشکل دانستند و به دلیل نیاز به سرعت زیاد در تولید، قلمکارسازی به صورت فعلی، یعنی استفاده از قالب، برای کلیه طرحها و نقوش، متداول شد و قلمکار نقاشی که باعث پیدایش قلمکار امروزی شد در قهقرای نابودی قرار گرفت.

قلمکار نقاشی

قلمکار نقاشی، شیوه سنتی قلمکار فعلی، شاخه‌ای مهجور از فرهنگ و هنر صنایع دستی است که بازمانده گمنام و کهنسالش استاد گیاهی، و یاد و خاطره مرحومان استاد پورصناعی و حسین فخاری، دیری نمی‌پاید که به تاریخ بپیوندد.

استاد گیاهی، بازمانده این هنر، حکایتش، حکایت روزهای پیشین است. تصاویر پرده‌هایش، آمیختگی غریبی دارند و در این پرده‌ها، گاهی داستانی از ابتدا شروع می‌شود و هر قسمت پرده به صحنه‌ای از داستان اختصاص می‌یابد. در واقع می‌توان گفت، پارچه‌های قلمکار قهوه‌خانه‌ای این‌گونه ابداع شد. هنوز هم، تصاویر سنتی مورد استفاده، بیشتر موضوع‌های مذهبی و یا حماسه‌های شاهنامه فردوسی است. استاد گیاهی، بیش از نیم قرن، از عمر خود را در گوشه عزلت و سکوت، تصویرگر فاجعه عاشورا و معنای نهفته در آن بوده است.

انواع مختلف قلمکار و موارد استفاده آن

محصولات مختلف قلمکار، مواد مصرفی گوناگونی داشته که متأسفانه در حال حاضر، تولید بسیاری از آنها منسوخ شده است. از جمله: «دلگه»، قلمکار «زر» یا «اکلیلی» و قلمکار جیگر نات. سایر محصولات قلمکار عبارت بوده است از: لباس مخصوص زنان دهات و ایلات، سفره، سوزنی حمام، قطیغه، رومیزی، کیف، سجاده با اندازه‌های مختلف، مجموعه‌پوش،



«قلمکار زر» یا «اکلیلی» بود که از درخشان‌ترین نمونه‌های هنر تزیینی سرزمین ما بود.

شهر اصفهان که در زمان صفویه پایتخت ایران بود، یکی از مراکز عمده تجمع هنرآفرینان و صنعتگران به شمار می‌آمد؛ هنرمندان از گوشه و کنار ایران، به این شهر، روی می‌آوردند و به تولید و عرضه محصولات مختلف، از جمله قلمکار، با عالیترین کیفیت هنری، اقدام می‌کردند تا آنجا که در این دوره، بیشتر لباسهای مردانه و زنانه، از پارچه‌های قلمکار تهیه می‌شد و طی دوران‌های مختلف دستخوش تغییراتی در ماهیت نحوه ساخت، اجرا و تولید انبوه شده است.

وجه تسمیه قلمکار

وجه تسمیه قلمکار، از نوع تولید و نحوه ساخت آن در بدو پیدایش این صنعت است؛ به این معنی که در ابتدا، روی پارچه‌های پنبه‌ای و احتمالاً ابریشمی، با قلم، طرحهای مورد نظر را نقاشی می‌کردند که خود شاخه‌ای را سبب شد، به نام «قلمکار نقاشی» که به آن نیز اشاره خواهیم کرد.

قالب چوبی قلمکار
عکس از: صنایع دستی کهن ایران

صنایع دستی

به مجموعه‌ای از

«هنر - صنعت»ها

گفته می‌شود که

به طور عمده

با استفاده از

مواد اولیه بومی

و انجام قسمتی

از مراحل اساسی

تولید، به کمک

دست و ابزار دستی

تهیه و ساخته

می‌شود.



شست‌وشوی پارچه قلمکار در هوای آزاد، حاشیه زاینده‌رود عکس از: رضانور بختیار

قلمکارسازان بعد از تهیه رنگهای لازم که به‌طور عمده شامل پنج رنگ، سیاه، قرمز، آبی، سبز و زرد و گاه قهوه‌ای است، ابتدا پارچه‌هایی را که باید نقش مورد نظر صنعتگر بر روی آنها چاپ شود، به مدت پنج روز در رودخانه قرار می‌دهند تا هم آهار آنها از بین برود و هم مواد زائدش خارج شود.

یکی دیگر از عملیاتی که به‌طور معمول قلمکارسازان قبل از چاپ نقش انجام می‌دهند، رنگرزی زمینه نخودی پارچه است که با پوست انار رنگرزی می‌شود. بعد از شست‌وشو، نوبت به نقش‌زنی پارچه می‌رسد و صنعتگر با کمک قالبهای چوبی که هر کدام نشان از یک رنگ دارد، به چاپ نقوش مختلف بر روی پارچه می‌پردازد.

برای چاپ نقش استادکار، قالب چوبی را که آغشته به رنگ است، روی پارچه قرار داده و با مشت روی آن ضربه می‌زند و این کار را تا زمانی که کلیه قسمت‌های پارچه از نقش،

کتیبه، روتختی، دامن و کفش زنانه، پرده، کلاه، سربخاری، بقچه، قبا، شلیته، دستمال، روکش صندلی، فرش، رولحافی.

لازم به ذکر است محصولات قلمکار، در این شکلی که امروز تولید می‌شود، دقیقاً نبوده، بلکه دارای ظرافتها و رنگهای متنوع بیشتری بوده که احیای روشهای قدیم و نوآوری در این راه باعث بازگشت اعتبار فراوان گذشته، خواهد شد.

نگاهی اجمالی به مراحل تولید این چاپ

به‌طور عمده پارچه‌های مصرفی در قلمکار، از جنس ابریشم، چیت و متقال بوده است که در حال حاضر، بیشتر از چیت، برای لباس و از متقال برای سایر محصولات استفاده می‌شود.

چوبی که برای ساخت قالب مورد استفاده قرار می‌گیرد از چوبهای کلابی یا کویج است که نظر به اهمیت قالب و قالب تراشی، در کنار حرفه و هنر قلمکارسازی، هنر قالب‌تراشی هم موجودیت یافت.

قالب و قالب تراشی

قالب تراشی قلمکار یکی از هنرهای بدیع و جالب ایرانی است که از طریق آن همکاری بین قلمکار سازان و مسنبت کاران ایجاد شده است. این حرفه از دیرباز در اصفهان معمول بوده و در زمان صفوی به اوج خود رسیده است و به علت ظرافتهای ویژه آن کاری است بسیار پرهزمت و مهم. در حال حاضر سعی در ترمیم و اصلاح قالبهای قدیم می شود. در صورتی که اصلاح هر قالب از نظر صرف وقت قابل مقایسه با زمان صرف شده در تلاش و تولید قالب جدید نخواهد بود که شرایط ساخت قالب نیز مراحل مختلف دارد. کتابی به همت استاد یآوری در دست چاپ است، که به جزئیات کامل آن پرداخته است.

طبقه بندی طرحها و نقوش قالبها

کلیه قالبهای قلمکار، از نظر نقش به ۱۰ دسته تقسیم می شوند:

دسته اول - قالبهای مناظر تاریخی ایران

دسته دوم - تصاویر عشاق معروف ایران

دسته سوم - داستانهای کهن ادبیات فارسی

دسته چهارم - تصاویر شعرا و بزرگان ایران

دسته پنجم - تصاویر جانوران اهلی و وحشی

دسته ششم - تصویر زورخانه ها و ورزشگاهها

دسته هفتم - مینیاتورهای معروف

دسته هشتم - تصاویر شکارگاههای سلطنتی

دسته نهم - تصاویر رامشگران و نوازندگان

دسته دهم - طرحهایی از گل و بته، زنجیره، کتیبه و حاشیه که اکثر قریب به اتفاق قالبهای حاضر را همین دسته تشکیل می دهد.

باید به این نکته اشاره کنم که بین نقشهای مربوط به قلمکار و قالی و کاشی، و همچنین تا اندازه ای گچبری و کنده کاری روی چوب، وجه تشابه بسیاری است که نشان دهنده این است که طراحان این صنایع با استفاده از طرحها و نقشهایی که در این چند صنعت به کار می رفته و از تلفیق آنها با هم، طرح و نقش جدیدی ایجاد می کردند چنانکه امروزه هم تقریباً به خصوص در حواشی پارچه های قلمکار و در متن آنها مشابهت کاملی بین نقشهای قالی و کاشی



پوشانده شود، ادامه می دهد. بعد از نقش زدن با رنگهای مشکی و قرمز، پارچه را به رودخانه برده و مدت ۲ تا ۳ ساعت در آب روان می شویند تا رنگهای اضافی خارج شود. سپس خشکانده و آماده تثبیت رنگ می کنند. شیوه تثبیت رنگ، به این صورت است که ابتدا پاتیلی را پر از آب کرده و با حرارت دادن، آب داخل آن را به مرحله جوش می رسانند. سپس مقداری حدود ۱۲ کیلوگرم پوست انار ساییده شده را به آن افزوده و بعد، مغز رناس را برای تثبیت اضافه می کنند و می جوشانند تا رنگها تثبیت شود و بعد از خشکاندن در هوای آزاد، برای مراحل تکمیلی به کارگاه برده می شود و مراحل منگول زنی یا ریشه تابی روی آنها اعمال می شود و سپس آماده ارائه به بازار می شود.

در حال حاضر در بخش رنگ و شاید تثبیت رنگها می توان گفت صحبت و نظرها بسیار است، ولی در قدیم از قلمکار عهد صفوی از مرحله زمینه سازی رنگ پارچه تا چاپ، روی آن همگی از رنگهای سنتی و طبیعی استفاده می شد ولی در حال حاضر به دلیل توسعه روزافزون صنعت رنگ و مقرون به صرفه نبودن زمان و هزینه های مصرفی از رنگها و غلظت دهنده های شیمیایی استفاده می شود، ریشه یابی علت این امر نیز باز شدن دروازه کالاهای بازارهای کشورهای چین و هند به ایران است و صنعتگران برای افزایش تولید بیشتر قادر به رقابت نبوده اند و ناگزیر به سنت شکنی هایی در این زمینه شده اند.

کارگاه تولید پارچه قلمکار
عکس از: اصفهان - کسراتیان

هنر ایران

به عنوان

بخش مهمی از

گنجینه هنر جهان،

هنری است نیرومند،

با هویت و مردمی،

که انسان در مسیر

درک آن، حرکتی را

از جهان «هست»ها

به دنیای «باید»ها

آغاز می کند تا

از این رهگذر،

ستایشگر منبع اصلی

نور و منشأ

تمامی زیباییها

باشد.

خاص ایران شاهدیم. در مورد اسامی نقشهای مورد استفاده فعلی قلمکار تقسیم‌بندی خوبی به ترتیب حروف الفبا انجام شده که در کتاب استاد یآوری می‌توانید اطلاعات بیشتری به دست بیاورید.

مراکز تولید

همان‌طور که اشاره شد، در زمان صفویه و مکتب اصفهان، این هنر - صنعت به اوج خود می‌رسد و هنرمندان بسیاری از گوشه و کنار ایران به دلیل شرایط جغرافیایی رودخانه زاینده‌رود، به اصفهان روی آوردند. در چنین شرایطی تعداد شهرهایی که در آنها قلمکار تولید می‌شد، کم و اصلاً قادر به تولید این نوع محصول با کیفیت و کمیت محصولات اصفهان نبودند، ولی در شهرهای بروجرد - سمنان و گناباد، قلمکارسازی و چیتگری انجام می‌شد که با قلمکار اصفهان فرق کلی داشت.

قلمکار غیر از شهرهای نامبرده، در اطراف نجف‌آباد، تیران و کرون، فارس، گز و برخوار، خورزوق، لنجان و خمینی‌شهر که همگی از شهرهای اطراف اصفهان هستند، این هنر به سبک خاصی رواج داشته، ولی باز هم با قلمکارهای اصیل اصفهان تفاوت فاحش داشته و در حال حاضر تمرکز این هنر بیشتر مربوط به اصفهان می‌شود.

جمع‌بندی

هنر قلمکار، علاوه بر ارتباط با سایر هنرها، اثر اجتماعی و اقتصادی بر جامعه نیز دارد. چون پس از گلیم، دارای بالاترین ارزش صادراتی در میان کالاهای صنایع دستی است و علاوه بر آن، بر اشتغال و درآمدزایی و در نتیجه بر توسعه اجتماعی - اقتصادی ایران، مؤثر است. این امر مؤید این نکته است که این هنر - صنعت قدیمی، نیاز به معرفی و تبلیغات بیشتر در سطح جهانی دارد، چرا که تبلیغات، حد فاصل بین تولید و مصرف است. برای اینکه این هنر بتواند به افزایش تولید داخلی و خدمات در کشور کمک کند و افق روشنی در سطح جهانی، پیدا کند و همچون دوران باشکوه صفوی تبلور عینی این هنر - صنعت را در زمان معاصر



شاهد باشیم. ضرورت دارد در سطح وسیعی به تبلیغ معرفی آن بپردازیم. امید که صنعتگران این هنر قدیمی همواره پیرو اصالت‌های قلمکار عهد صفوی باشند و شاهد رونق دوباره مکتب اصفهان باشیم.

منابع

احسانی، عبدالحسین. مجموعه قلمکار ایران، تهران، بانک ملی ایران، سال ۱۳۵۰.
چیت‌ساز، علی. صنعت قلمکار ایران، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، سال ۱۳۵۰.
یآوری، حسین. آشنایی با هنرهای ایرانی، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، پاییز ۱۳۷۸.
دستها و نقشها، شماره اول، تهران، سازمان صنایع دستی ایران، بهار ۱۳۷۱.
گلاک‌جی و هیراموتوگلاک سومی. سیری در صنایع دستی ایران، بانک ملی ایران، تهران، سال ۱۳۵۵.
گلستان، کاوه. قلمکار، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۵۷.